

مایکل براون

تفکر معمارانه:

فرآیند طراحی و چشم خيال اندیش

ترجمه و تدوین: دکتر سعید حقیر  
موسسه یادگار دانشگاه تهران



نشرنامه	بزون: مایکل براون / Brawne, Michael
عنوان و نام پدیدآور	تفکر معماری: فرآیند طراحی و چشم خیال‌اندیش / مایکل براون: ترجمه و تدوین سعید حقیر
مشخصات نشر	تهران: کتاب فکر نو، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص:؛ تصویر، جدول، نمودار
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۲۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
یادداشت	عنوان اصلی: Architectural thought : the design process and the expectant eye, 2005.
عنوان دیگر	تفکر معماری: فرآیند طراحی و چشمان چوینده.
موضوع	معماری -- طراحی
موضوع	معماری -- فلسفه
شناسه افزوده	حقیر، سعید، ۱۳۵۳ -- مترجم
زده بندی کنگره	۱۳۹۶ : ۴ : ۷ : ۱۳۹۶ : NA۲۷۵۰
زده بندی دیویی	۷۲۱/۰۱
نماره کتابشناسی ملی	۴۵۸۳۹۷۶



مایکل براون

## تفکر معماری: فرآیند طراحی و چشم خیال‌اندیش

ترجمه و تدوین: دکتر سعید حقیر

مدیر تولید	آرش حیدریان
طراحی جلد	آرش حیدریان
چاپ اول	۱۳۹۶
لینوگرافی	ولیعصر
شمارگان	۱۱۰۰ نسخه
قیمت	۳۰۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۲۰-۶

### فروشگاه و مرکز بخش کتاب

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۶  
کتاب فکر نو ۶۶۴۱۶۱۰۰

فروشگاه اینترنتی فکر نو؛ خریدی کاملاً متفاوت را تجربه کنید

● Fekrenobook.ir ● Fekrenobook ● Fekreno

## فهرست

- ۹..... پیشگفتار مترجم
- ۱۳..... پیشگفتار مؤلف
- ۱۷..... زمان
- ۲۱..... دو معبد
- ۲۵..... آیا توصیف فرآیند طراحی ممکن است؟
- ۴۳..... ایام و مناسبت‌های یادبود
- ۶۷..... شناسایی میدان
- ۸۹..... فضای کهن و نوآریم کردن
- ۱۰۷..... آیا این گونه جدید است؟
- ۱۱۷..... سفر، کتاب و حیطه
- ۱۲۵..... معماری بومی و سبک
- ۱۳۴..... مصالح
- ۱۴۵..... سازه
- ۱۵۳..... نور
- ۱۵۹..... معماری و زبان
- ۱۶۳..... نگاه کردن به عکس‌ها
- ۱۶۷..... دفتر و دانشکده
- ۱۷۱..... آیا مهم است؟
- ۱۷۹..... نوآوری انتقادی
- ۱۸۷..... سخن آخر
- ۱۸۹..... یادداشت
- ۱۹۱..... مراجع
- ۱۹۷..... فهرست اعلام

## بیشگفتار مترجم

فرآیند طراحی در معماری از جمله مباحثی است که به سرعت با برنامه‌دهی در معماری اشتباه گرفته می‌شود. در حقیقت زمانی که صحبت از فرآیند طراحی می‌کنیم به مرحله‌ای پیش‌تر و فراتر از برنامه‌دهی توجه داریم. اگر بر مبنای یک تئوری شهیر در هنر، آن را «بازندایی» و در واقع بازنمایی از یک امر معنوی تلقی کنیم، آنگاه درمی‌یابیم که فرآیند طراحی از لحظه درک امر معنوی آغاز شده است و تجسد بخشیدن به یک امر معنوی در حقیقت کاری است که هنرمند انجام می‌دهد.

امر معنوی فاقد فرم است و هستی برای ما انسان‌ها بدون فرم غیرقابل تأمل و تفک است. از یک مرحله بدون فرم به یک مرحله‌ای که اولین جوانه‌های فرم در بدن شکل می‌گیرد در حقیقت شروع فرآیند طراحی است. مرحله‌ای که من آن را «بدن» از خلق پره کانسیت (پیش‌انگاره) به کانسیت (انگاره) می‌نامم. بر اینر مبنای پیش‌انگاره، فاقد فرم و انگاره، دارای فرمی اولیه است. در این مرحله است که ذرع اثر هنری و سبک آن همزمان شکل می‌گیرد.

اگر نگوییم عموم کتاب‌هایی که در حوزه هنر معاصر با عنوان «فرآیند طراحی» را بر خود گذاشته‌اند، باید بگوییم عمده آن‌ها بر روی صورت برنامه‌دهی می‌پردازند و نه نگاه فرآیند طراحی از دیدگاهی که مطرح شده است. این عمومیت را برای اولین بار با مطالعه کتاب حاضر اثر مایکل براون به زیبایی یافتیم.

کتاب حاضر تأملی است بر فرآیند طراحی بر پایه منطق انتقادی کارل پوپر فیلسوف اتریشی-انگلیسی قرن بیستم که از غیرمادی‌ترین فرآیندهای شکل‌گیری پره کانسیت آغاز می‌شود و تا مسائل کاملاً مادی، مانند مصالح و سازه و نور، در یک پروسه شناخت و تولید، در فرآیند طراحی ادامه می‌یابد. عنوان کتاب نیز عنوانی چالش‌برانگیز است. عنوان انگلیسی کتاب:

"Architectural Thought: the design process and the expectant eye"

عنوانی است به ظاهر ساده و قابل فهم ولیکن اگر در ترجمه آن کمی بیشتر و عمیق‌تر فکر کنیم متوجه می‌شویم که این سادگی به زودی رنگ می‌بازد.

مهم‌ترین چالش در ترجمه عنوان این کتاب در ترجمه کلمه "expectant" بود. اینکه چه معادلی برای آن انتخاب شود تا مخاطب فارسی‌زبان آن را با همان نگاه یا حداقل نزدیک به نگاه مؤلف دریابد نکته بسیار پیچیده‌ای بود. این کلمه را در ساده‌ترین مواجهه می‌توان «منتظر» ترجمه نمود حال آنکه «چشم منتظر» برای یک کتاب فرآیند طراحی عنوانی نامأنوس است. واقعیت آن است که در اینجا کلمه «متوقع» جایگزین مناسب‌تری از نظر معنایی بود. لیکن ترکیب «چشم متوقع» از نظر ادبی و از نظر دل‌چسبی نبود. با ترجمه به محتوای کتاب و درکی که از معنای ادراکی و تصویرسازی ذهنی در فرآیند طراحی بود و البته با کمک ناشر محترم این کتاب از ترکیب «چشم خیال‌اندیش» استفاده شد که هم با محتوای معنایی کتاب و هم با نگاه مخاطب فارسی‌زبان، سازگاری بیشتری دارد.

در این کتاب از تمامی افراد و مکان‌های بسیاری یاد می‌شود که ممکن است مخاطب با آنها آشنا نباشد و یا در همان لحظه حضور ذهن لازم برای یافتن نام را ندارد. لذا سعی کرده‌ام تمامی اسامی و اعلام را در اولین حضورشان در متن توضیح در پاورقی معرفی نمایم تا امکان فهم ساده‌تر مطالب فراهم آید.

انتشار این کتاب به زبان فارسی را در ابتدا مدیون دستیار تدریسم در دانشگاه خانم مهسا حاج ملکی هستم. او برای نخستین بار این کتاب را به من معرفی کرد و مرا در ترجمه آن تشویق نمود و زحمات بازخوانی و مطابقت با متن را برای چندین بار مکرراً برجان خرید. به خاطر همه این‌ها از او متشکرم.

همچنین دوست پژوهشگرم خانم ویدا فرهمند نیز یک‌بار دیگر و با کوشش بسیار، تمام متن را بازخوانی، ویراستاری و آن را با متن انگلیسی مجدداً مطابقت داد و فهرست جالبی از نکات اصلاحی را برایم فراهم نمود که بی‌شک بدون آن اصلاحات، کتاب حاضر با این کیفیت محتوایی حاصل نمی‌شد. لذا قدردان زحماتش هستم.

در نهایت انتشارات «کتاب فکرنو» به‌ویژه آقای آرش حیدریان که نعهد انتشار این کتاب را با کیفیت بالا بر عهده گرفت و آن را به‌خوبی به انجام

رساند. برای فراهم نمودن امکان انتشار باکیفیت این کتاب و راهنمایی‌های تخصصی‌شان از ایشان سپاسگزارم.

سعید حقیر

زمستان ۱۳۹۵

www.ketab.ir

## پیشگفتار مؤلف

راست  
چارلز وری ایمز،  
صندلی عجوب از  
مفتول توپرا الهام  
از برج ایفل، پرده  
سیاه نشانه ای از هنر  
بومی آمریکای جدید  
است.

تفکر معماری در ابتدا یک تفکر غیرکلامی است و این موضوع اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چراکه بیشتر تفکرات روزمره ما کلامی هستند. ما عادت کرده‌ایم که به ویژه در هنگام ایجاد ارتباط آگاهانه، از کلمات استفاده کنیم؛ اما در سطوح پایین‌تری از آگاهی، زبان بدن کاربرد بیشتری دارد و آموزش تقویت‌کننده این الگو است؛ اما واضح است که به لحاظ مجازی نمی‌توان یک بحث معین را به‌جز استفاده از الگوی کلامی انجام داد. من نمی‌توانم ایده‌های موجود در این کتاب را به‌وسیله ابزاری غیرکلامی مطرح کنم؛ برای مثال، از طریق طراحی.

باین‌وچر، محاران با استفاده از ابزارهای معین درگیر در امر طراحی هستند و تفکر غیرکلامی بخشی از انبساط طبیعی معماری را تشکیل می‌دهد. تفکر بصری به‌طور خاص در مرحله طراحی نقش دارد و این مرحله، مرحله‌ای است که معمار در آن بیشترین تأثیر معنا دار را تجربه می‌کند. تصور و ثبت ساختار فضایی به‌طور عام، ویژگی‌ای است که معماری را بر دیگر الگوهای درگیر در ساخت یک ساختمان جدا می‌کند. البته این بدان معنا نیست که تفکر غیرکلامی تنها در انحصار معماری است. کاملاً آشکار است که موسیقیدان‌ها، دانشمندان، مجسمه‌سازان، مهندسان، طراحان، گرافیست‌ها، صنعتگران، فیلم‌سازان، برخی دانشمندان و افراد دیگر هم به همین میزان و به‌طور معمول به تفکر بصری روی می‌آورند. باین‌وچر می‌تواند با کمی تغییر در الگوی دکارت گفت: «من به‌صورت غیرکلامی می‌اندیشم. این امر یک معمار هستم». جالب این است که باینکه تفکر کلامی در قرون گذشته به‌تدریج توسعه یافت و فلاسفه و دیگر متفکرین بوده، تفکر غیرکلامی به شکلی عمیق نادیده انگاشته شده است. به نظر می‌رسد که استفاده از کلمات برای بحث درباره فعالیت‌هایی که کلمات برای آن‌ها می‌داند، غیرممکن یا حداقل غیرمنطقی باشد. بدون شک این کار مشکل است. اما غیرممکن نیست. به همین صورت ارائه نظر قطعی هم چندان محتمل نیست. فلاسفه زبان‌شناسی هم خود قادر به ارائه پاسخ‌هایی بی‌چون‌وچرا در مورد پدیده‌ها نیستند. از چارلز ایمز، معمار، طراح مبلمان، فیلم‌ساز و طراح نمایشگاه، سؤال شد که تعریف شما از طراحی چیست؟ او گفت طراحی برنامه‌ای برای نظم بخشیدن به عناصر است به طریقی که بتواند هدف خاصی را متبلور سازد (نویهارت و ایمز، ۱۹۸۹، ص ۱۴). این تعریف بیشتر تأکید بر نتایج دارد تا بر روند نحوه رسیدن به نتایج. این تعریف به‌رحال بیان می‌دارد که طرح همواره با واقعیت‌های آتی سروکار دارد، یعنی

۱- چارلز ایمز Charles Eames (۱۹۰۷-۱۹۷۸) به همراه همسرش Ray Eames (۱۹۱۲-۱۹۸۸) طراح مبلمان و مالک شرکت Knoll Furniture Company در کالیفرنیا بودند و در این زمینه از شهرت بالایی در محافل هنری برخوردار شدند. - مترجم.

تلاش برای پیش‌بینی واقعیت با ابزار مقتضی در زمان خاص و در دسترس. این ابزار می‌تواند طرح، مدل، یا شبیه‌سازی الکترونیک باشد. در الگوی واقعی، می‌توان گفت که این گفته بیش از آنکه یک جمله صحیح باشد، حالت موعظه دارد. در معماری می‌دانیم که باید بیشتر عناصر را با تفکر بصری بیان کنیم.

البته پیش‌بینی وقایع آتی در بسیاری از فعالیت‌های دیگر هم رخ می‌دهد؛ چه آن‌هایی که شامل تفکر بصری هستند و چه آن‌هایی که روی تفکر کلامی تمرکز دارند. بسیاری از این فعالیت‌ها فرم خاصی از طراحی را در وسیع‌ترین معنای آن اعمال می‌کنند؛ بنابراین آنچه در معماری می‌گذرد، می‌تواند در بسیاری از فعالیت‌هایی دیگر هم که لزوماً ارتباطی با معماری ندارند، حائز اهمیت باشد.

بنابراین به نظر من پرسش اصلی این است که ما چطور می‌توانیم از وقایع گذشته و حال به پیش‌بینی آینده بپردازیم. به علاوه با اینکه ما می‌دانیم نتیجه وابسته به زمان است. باید بررسی کنیم آیا روند و بخصوص سلسله‌مراتب و توالی طراحی هم طی تاریخ تغییر می‌کند. اگر امکان آن بود که الگویی کلی در طول زمان و بین افراد مختلف به وجود آید، حداقل باید شرح آشکاری از این روند نزدیک‌تر می‌شدیم؛ یعنی به یک نظریه. علاقه به طرح نظریه امری جدید است و نه منحصر به فرد. یک کار استاندارد با نام *تاریخچه نظریه معماری رومین ویتریوس تا حال*، توسط هانو- والتر کرافت<sup>۲</sup>، برای بار اول در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسید. در سال ۱۹۹۴ به انگلیسی منتشر شد که شامل ۶۰۹ صفحه متن تالیبی است. بخش اعظم این کار با جوانب تاریخی مانند تحلیل سبک‌ها سروکار دارد، درحالی‌که بخش مهم دیگر به نظریه اختصاص دارد که بیش از آنچه توصیفی باشد، تطبیقی است. ویتریوس یکی از این موارد است. ویتریوس در تقدیم اثرش به امپراتور آگوستوس [که از آن‌ها سخن دریافت می‌کرد] می‌نویسد:

«به‌علاوه با توجه به آینده، شما آن‌قدر با ساختمان‌های دولتی و خصوصی توجه کرده‌اید که آن‌ها جزئی از تاریخ ارزشمند ما شده‌اند و در سال‌های آینده برای آن‌ها یادبود می‌گیرند. من این اثر را به‌گونه‌ای تألیف کرده‌ام که در آینده با ارجاع به آن، بتوان اطلاعاتی در مورد کارهای انجام‌شده و یا در دست انجام کسب کرد. من در این نوشته‌ها نظام کامل معماری را شرح خواهم داد»  
(ویتریوس، ۱۹۸۳، ص ۵).

۱- ماركوس ویتریوس پولیو Marcus Vitruvius Pollio (تولد: سال ۹۰ ق.م، مرگ: سال ۱۵ یا ۲۰ ق.م)، معمار رومی - مترجم.

2- Hanno-Walter Kruff. A history of architectural theory: from Vitruvius to the present. Princeton Architectural Press, 1994



نظام مورد نظر ویتروویوس، بیشتر یک دستورالعمل انجام کار است و همان طور که می‌دانیم نظریه مجموعه‌ای از قواعد نیست. با وجود مفید بودن ظاهری آن‌ها، کتب ده‌گانه<sup>۱</sup> پس از انتشار آن، در پایان قرن اول پس از میلاد، توجه کمی را به خود جلب کرد؛ اما همین مجموعه هزار سال بعد به یکی از مهم‌ترین کتب نگاشته شده در زمینه معماری تبدیل شد. اتفاقی که می‌توان مشابه آن را در مورد فوتوریست‌ها<sup>۲</sup> و یا متابولیست‌های<sup>۳</sup> قرن بیستم مشاهده کرد.

چنین فقدانی از بحث درباره طرح جالب و البته تأسفبرانگیز است. با این وجود اخیراً ۵۹ معمار، مانند «تاریخدان» در کتابی با عنوان نظریه معماری از سال ۱۹۶۸ فضای بیشتری را به این موضوع اختصاص داده‌اند (هیز، ۲۰۰۰). تنها چند مجله به موضوع طرح پرداخته‌اند (باغ فرد، ۲۰۰۲، ص ۲۴۵). آنچه این کتاب را متمایز می‌سازد، علاقه اولیه آن به بخش نظری معماری است که لزوم و اهمیت فعل اولیه طراحی را منعکس می‌سازد. این طرح است که نتیجه نهایی را تعیین می‌کند؛ اما همواره باید به خاطر سپرد که طرح یک دور خیال را تعیین می‌نماید.

۱- The Ten Books کتاب نوشته ویتروویوس است با نام اصلی در باب معماری (De Architectura) که در مورد معماری نگاشته شده و هدف از نگارش آن نوشتن راهنمایی برای طراحی و ساختوساز بوده است. این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع دانش امروزی در مورد روش‌های ساختوساز در دوران روم است - مترجم.

۲- Futurists به پیروان جنبش فوتوریسم گفته می‌شود که یکی از جنبش‌های هنری اوایل قرن بیستم بود. مرکز این جنبش در ایتالیا بود و در کشورهای دیگر از جمله روسیه نیز فعالیت داشتند. فوتوریست‌ها از هنر گذشته بیزارند و دغدغه‌های اصلی این جنبش، پویایی، سرعت و تکنولوژی است - مترجم.

۳- به پیروان جنبش متابولیسم گفته می‌شود که به آمیخته‌گرایی نیز گاه خوانده می‌شود (۱۹۷۵ میلادی - ۱۹۶۰ میلادی) در ژاپن به مثابه نوعی نحوه تفکر و همکاری گروهی بود که همزمان با برگزاری گردهمایی جهانی طراحی در توکیو سال ۱۹۶۰ با تأثیرپذیری شدید از کنزو تانگه و همکار معروفش تاکاشی آسادا شکل گرفت. معماری متابولیسم برگرفته از اشکال هندسی و فرمول‌های ریاضی است که علاوه بر منعکس کردن زندگی الکترونیکی عصر مدرن، روش‌های زندگی سنتی مردم ژاپن را نیز فراموش نمی‌کند. این سبک در دهه ۱۹۶۰ در معماری ژاپن بسیار تأثیرگذار شد - مترجم.